

لغات و اصطلاحات منتخب



آموزش زبان بامبو دات آی آر

www.bambo.ir

1	Reckon	فهمیدن، فکر کردن
2	decent grub	غذای مناسب
3	Cheer up	خوشحال باش
4	My leave got cancelled	مرخصی من کنسل شد
5	Bob	شیلینگ (محاوره ای)
6	No idea	نمی دونم
7	I'm not taking that bet	اون شرط رو نمی بندم
8	Sergeant	گروهبان
9	Lieutenant	ستوان
10	as far as I know	تا جایی که من می دونم
11	How long will it take you to get there?	چقدر زمان می بره که تو برسی اونجا؟
12	Don't get your hopes up	زیاد امیدوار نباش
13	strategic withdrawal	عقب نشینی استراتژیک
14	aerials of the enemy's line	عکس های هوایی از خطوط دشمن
15	Fortifications	استحکامات
16	Artillery	توپخانه
17	parting gift	هدیه هنگام رفتن به سفر/رسیدن از سفر
18	direct order	دستور مستقیم

19	Call off the attack	کنسل کردن حمله
20	massacre	قتل عام
21	Map	نقشه
22	torches	چراغ قوه
23	grenades	نارنجک
24	of No Man's Land	زمین بین دو جبهه جنگ (سرزمین بدون صاحب)
25	resistance	مقاومت
26	trench	سنگر
27	bloody idiots	احمق های لعنتی
28	Orders of the General	دستورات جنرال
29	front line	خط مقدم جنگ
30	Get out of the way	از سر راه برو کنار
31	you're stepping on the dead	قدم گذاشتن بر روی اجساد
32	out of their minds	عقلشون رو از دست دادن
33	drag	کشیدن
34	trap	تله
35	chin up	سرت رو بالا بگیر
36	Watch out for the craters	مراقب گودال ها باش
37	They're deeper than they look	از چیزی به نظر میاد عمیق تر هستند
38	miracle	معجزه

39	Make yourself useful	به یه دردی بخور
40	Stay still	همچنان بمون
41	massive	خیلی بزرگ
42	We need to keep moving	ما باید به حرکتمون ادامه بدیم
43	You need to trust me	باید به من اعتماد کنی
44	Dust	گرد و خاک
45	Bury	دفن کردن
46	I'm not in the mood	حوصله ندارم
47	Bet he told you it was shrapnel	شرط می بندم بهت گفته که یک بمب نارنجکی بود
48	Moan	شکایت کردن
49	bathing facilities	اقلام حمام
50	Oh, he made a hell of a fuss	او کلی سروصدا (الم شنگه) راه انداخت
51	yelling	داد زدن
52	screaming	جیغ کشیدن
53	You reckon?	فکر می کنی؟
54	I swapped it with a book	اون رو با یک کتاب عوض کردم
55	Bottle of wine	یک بطری شراب
56	It doesn't make you special	این تو رو خاص نمی کنه
57	it doesn't make any difference to anyone	این برای هیچ کس فرقی نمی کنه
58	Sweet	شیرین

59	sour	شور
60	Takes the whole day	وقت تمام روز رو گرفت
61	We have to stop the bleeding	ما باید جلوی خونریزی رو بگیریم
62	Go fetch his things	برو لوازمشون رو بیار
63	he wipes his hand	دست هایش را می شوید
64	rifle	نوعی اسلحه
65	to the entire expeditionary force	تمام نیروهای اعزامی
66	barely	به ندرت
67	He's got a better grasp of it	او درک بهتری از آن دارد
68	latrine	دستشویی صحرایی
69	Try it in reverse	دنده عقب رو امتحان کن
70	push	هل دادن
71	Good luck	موفق باشی
72	Where are you from?	اهل کجا هستی؟
73	soaked	خیس
74	- We're the second wave	ما موج دوم هستیم
75	Get out of the way	از سر راه برو کنار
76	break the lines	خطوط (دشمن) رو بشکنید
77	How far?	چه قدر فاصله داره؟
78	What the hell are you doing	داری چه غلطی می کنی؟

79	Hesitate now and we lose	الان تردید کنیم می بازیم
80	Major	سرگرد
81	Hope is a dangerous thing	امید چیز خطرناکیه
82	to deliver a message	پیغام رساندن
83	He saved my life	او جان منو نجات داد

www.bambbo.ir